

روزمرگی
فرهنگی هنرورساند ایران

فرار

فرزنگا

فرار به سوی خوبی ها

سریال «فراری ۲» تلاش دارد با روایت دنیای کسانی که شهیدانه زیسته اند، دل ما را به شهدا متصل کند

ابتلای شعر به روزمرگی

دیر علمی جشنواره شعر فجر در گفت وگو با «جام جم» تأکید کرد آیین نامه این رویداد ادبی نیاز به تجدیدنظر دارد

۱۱



۱۰ سال هیجان در شب های فوتبالی

ضمن گفت وگو با عوامل «شب های فوتبالی»، ویژگی های این برنامه پرمخاطب تلویزیون را بررسی کردیم

۸



انعکاس ایران مقتدر در رادیو

طبق سند تحول رسانه ملی، شبکه های رادیویی برنامه هایی با موضوع پیشرفت و دستاوردهای علمی تهیه و پخش می کنند

۶



نگاه

مسئولیت مضاعف جوانان دانشگاهی در جنگ نرم



سید نظام الدین موسوی
تحلیلگر مسائل فرهنگی

بیانات اخیر مقام معظم رهبری در باب اهمیت تهدید نرم، در امتداد بیانات و مواضع گذشته است و مبنای کاملاً علمی و تجربی روشنی دارد. ایشان قبلاً بارها راجع به موضوع جنگ نرم و تهدیدات نرم هم بیاناتی داشتند. در واقع تهدیدات راهبردی را می توان به دو حوزه مباحث نظامی و سخت و حوزه تهدید نرم تقسیم کرد. مشخص است که در حوزه تهدیدات سخت، وضعیت تجهیزات و تسلیحات نظامی کشورها اهمیت دارد و روند حاکم بر تاریخ چنین بوده که کشورهایی که برتری قابل توجهی از نظر تجهیزات و تسلیحات نظامی دارند در مقابله با اعمال این نوع تهدیدات موفق بوده اند اما تقریباً از جنگ جهانی دوم به بعد یعنی از زمانی که در حوزه تسلیحاتی و سخت با پدیده های به نام موازنه قدرت مواجه شدیم و کشورهایی برخودار از توان نظامی نسبتاً برابر از حداقل ابزارهایی که می توانست بازدارندگی ایجاد کند، مثل بمب اتم، برخوردار شدند، به تدریج تهدیدات نرم یا جنگ نرم در بحث مواجهه کشورها جای خودش را باز کرد و حتی می توان گفت به لحاظ اهمیت هم ارز برخورداری از تسلیحات نظامی جنگ شد. در رابطه با جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز دشمن البته در هر دو زمین فعال بوده است. هشت سال جنگ تحمیلی که رژیم بعث عراق با حمایت قدرت های غربی و برخی از اعضای بلوک شرق به راه انداخت، نمونه بارزترین حوزه تهدیدات سخت علیه انقلاب بود. علاوه بر آن، ما شاهد فتنه های داخلی در قالب ترور ایجاد نا امنی، و اعمال تحریم اقتصادی و انواع کارشکنی ها در برابر توسعه اقتصادی ایران هستیم اما غرب خیلی زود متوجه شده بود که صرفاً با ابزار نظامی نمی تواند از پس جمهوری اسلامی و گفتمان انقلاب برآید و به رغم همه فشارها، جمهوری اسلامی و مردم ایران در برابر این مسأله مقاومت خواهند کرد. به تدریج و خصوصاً بعد از پایان جنگ تحمیلی، مقوله جنگ نرم که در مقطعی تحت عنوان تهاجم فرهنگی نامیده شد، بیشتر مورد توجه غرب گرفت و سرمایه گذاری سنگینی روی این قضیه انجام دادند. در واقع، غرب به ویژه از زمانی که جمهوری اسلامی براساس راهبرد خودکفایی نظامی توانست در حوزه هایی مثل موشکی و پهپادی به یک قدرت بازدارندگی بالا برسد و امید دشمن را در حوزه تهدید سخت را کاملاً ناامید کرد، به رغم ادعایی معمول در مورد حمله نظامی، صرفاً بر تأثیرگذاری و شبهه افکنی در ذهن مردم و جوانان تمرکز کرده و مشخصاً ناامید و رویگردان کردن جوانان از فرهنگ دینی و درک اعتقادی و جایگزین سازی فرهنگ غربی را در دستور کار خود قرار داده است. ظهور کانال های ماهواره ای، اینترنت و شبکه های اجتماعی بریستر آن، کارفرمایان جنگ نرم را به انواع پلتفرم ها برای تهدید نرم مسلح کرده است و غرب با این امید دوباره دور دیگری از پروژه تحدید قدرت ایران را جلو می برد.

باید توجه داشت آنچه که مقام معظم رهبری در سخنرانی خود مطرح کردند به یک نوعی نشان دادن خط و راهبرد دشمن بود. در واقع امروز جمهوری اسلامی ایران به لحاظ بازدارندگی نظامی و مقابله با تهدیدات سخت دشمن در جایگاهی قرار دارد که اگر با تعرضی روبه رو شود، پاسخ برابر و متناسب می دهد و آمریکا و رژیم صهیونیستی در صورتی که چنین توان بازدارندگی ای را در ایران حس نمی کردند، حتماً مثل گذشته و زمان جنگ تحمیلی وارد نبرد نظامی و تعرض به ایران می شدند. در این شرایط که آنها عمدتاً روی تهدید نرم متمرکز شده اند، نیروهای انقلابی و همه افراد و نهادهایی که تربیون دارند، باید ابعاد مختلف استراتژی دشمن در ناامیدسازی را درک کنند. البته جوانان نخبه و نیروهای دانشگاهی طبیعتاً در این حوزه مسئولیت مضاعفی به عهده دارند و انتظار می رود در کنار نهادهای رسمی به شکلی ابتکاری و در عین حال با بهره گیری از دستاوردهای علوم جدید و شناختی همه ظرفیت های خود در این عرصه را به کار گیرند. البته مطمئناً در این عرصه هم انقلاب در نهایت، از پس کار برخواهد آمد و این تهاجم راهبردی غرب، باعث تقویت توان فرهنگی و بازدارندگی نرم جبهه انقلاب خواهد شد.

زاویه دید

۱۶ روایت از دل غزه

کتاب «پایی در غزه» به قلم نویسندگان مختلف، مقاومت مردم فلسطین را به تصویر کشیده است



این نویسنده عنوان کرد: فلسطین، مسأله و تقدیر ماست. مسأله غزه برای امام خمینی (ره) در دهه ۲۰، یعنی ۶۳ سال پیش مطرح می شود. او می فهمد سرنوشت مسلمانان در نسبت با فلسطین رقم می خورد آن هم به سه معنا؛ اول این که این ماجرا پروژه عرفانی است و قدس مکانی است که انسان در آنجا امکان عروج دارد، دوم این که بخشی از مسلمانان در خطر هستند و سوم و از همه مهم تر این که اسرائیل به عنوان غده سرطانی در حال رشد و برهم زدن نظم جهانی است.

او با مرور طول تاریخ بشری و وجود همیشگی جنگ در همه این سال ها گفت: اتفاقاتی که در طول ۷۰ سال در فلسطین رقم می خورد از هیچ منطق بشری تبعیت نمی کند، منطق آن غالب و مغلوب نیست، بلکه حذف است. اسرائیل می گوید باید فلسطین پاکسازی شود و فلسطینی ها از اینجا بروند. این پژوهشگر اظهار کرد: مسأله ای که در این متن و پیش از این متن با آن مواجه

حاصل آن کتاب پایی در غزه است. نویسنده کتاب «نقاشی و اعتراض» ادامه داد: یکی از مهم ترین دغدغه های انقلاب اسلامی مسأله فلسطین است. ادبیات، بخشی از هویت ماست و به ما معنا می دهد و از همان ابتدا شاهد این هستیم که چگونه انسان ایرانی با مسأله فلسطین درگیر و در زمینه ادبیات به آن پاسخ می دهد. افرادی چون موسوی گرمارودی، جلال آل احمد، طاهره صفارزاده، شفیعی کدکنی از دهه ۴۰ آثار مهمی را در داستان و شعر در مورد فلسطین خلق کردند. حال امروز در سال ۱۴۰۳ - که دیگر نمی توانیم به حال و روز قبل از طوفان الاقصی برگردیم- اتفاقاتی رخ داده که همه ما را درگیر کرده، ما را به بازنگری واداشته و هیچ کس نمی تواند نسبت خود با مسأله فلسطین و غزه انکار کند. در ادامه برنامه اکبری دیزگاه: گردآورنده کتاب پایی در غزه گفت: روایت من حدود ۳۰ هزار کلمه است که حدود ۵۰۰۰ کلمه آن در اینجا آمده است. پیشتر از خود پرسیدم من به عنوان انسان ایرانی چه نسبتی با غزه دارم. این پرسش می تواند احساسی یا سیاسی به نظر برسد ولی وقتی از این لایه ها عبور کردم و به عمق رسیدم، متوجه شدم اگر در دوره ای سرنوشت آدم ها در منزل و محله و قبیله رقم می خورد، در دوره ای دیگر سرنوشت آدم ها در شهر رقم می خورد.

نشست رونمایی و نقد و بررسی کتاب «پایی در غزه»؛ شامل ۱۶ روایت از «ما و غزه» به همت دفتر ادبیات داستانی حوزه هنری و مرکز هنری رسانه ای سلوک، در موزه هنرهای معاصر فلسطین برگزار شد.

پایی در غزه به گردآوری ابراهیم اکبری دیگرانه مجموعه ای است از روایت ۱۶ نویسنده مختلف درباره غزه و مقاومت مردم فلسطین درباره نسبت خودشان با غزه و در جواب به سؤال «ما چه نسبتی با غزه داریم؟» چند هفته بعد از شروع طوفان الاقصی، مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری تعدادی از داستان نویسار را دعوت کرد تا درباره فاجعه ای که در غزه رقم خورده، گفت وگو کنند. پس از این جلسه ابراهیم اکبری دیگرانه با هم فکری بهزاد دانشگر، مدیر دفتر ادبیات داستانی حوزه هنری از تعدادی از نویسندگان دعوت کردند تا در این رابطه بنویسند. این کتاب را حوزه هنری و انتشارات سوره در ۲۶۴ صفحه به تازگی چاپ کرده است و جلسه نقد و بررسی آن با حضور محمدرضا وحیدزاده، نویسنده و منتقد ادبی برگزار شد.

در ابتدای این نشست نقد و بررسی، محمدرضا وحیدزاده درباره کتاب «پایی در غزه» اظهار کرد: «پایی در غزه» کتابی گروهی است که بادیبری اکبری دیزگاه گردآوری شده است.

او ادامه داد: من تمام قد در برابر این اراده می ایستم و برایم انگیزه ای که دیزگاه و ۱۶ نویسنده درباره غزه نوشته اند، بسیار محترم و حسرت برانگیز است ولی در همه این سال ها برایم خلأیی وجود داشت که با خواندن این کتاب بیشتر شد. این منتقد ادبی عنوان کرد: در حدود نیم قرنی که از انقلاب می گذرد، این روزها و در بازه زمانی کوتاه حوادث و اتفاقاتی عجیب رخ داده است و درست در همین روزهای عجیب دیزگاه با خود فکر می کند نسبت من با غزه چیست و این سؤال بسیار مهمی است. این سؤال او را به حرکت واداشته و به اندازه امکانات، قلم و البته تلفن در دست گرفته و با نویسندگان زیادی تماس گرفته و



شدم این بود که من هیچ وقت نمی خواستم درباره غزه کتاب بنویسم، می خواستم درباره خودمان و انسان ایرانی کتاب بنویسم و کتاب پایی در غزه، کتابی درباره انسان ایرانی است اما نسبت انسان ایرانی با مسأله غزه.

این نویسنده بیان کرد: مواجهه انسان ایرانی با ماجرای فلسطین در این ۷۰ سال اغلب سیاسی بوده است و به دلیل این که موضع روشنفکران ما با حکومت پهلوی همساز نبود و حکومت پهلوی هم نسبت همدلی با اسرائیل داشت، نویسندگان ما به سمت فلسطین رفتند اما بعد از انقلاب نویسندگان سه دسته شدند، تعداد قابل توجهی سکوت کردند چرا که جمهوری اسلامی هم سو با فلسطین است و عده ای موافق اسرائیل شدند و از آن دفاع می کنند- که آدم در این مورد شرمش می آید- و عده ای هم مثل ما هستند که می خواهیم با این موضوع فراتر از مواجهه سیاسی حرکت کنیم.

او ادامه داد: به طور شخصی رویارویی ام با ماجرای غزه، فلسفی و وجودی است. من در رساله ام توضیح دادم چرا بیانیه انجمن حکمت و فلسفه درباره غزه، هیچ فرقی با بیانیه بسیج دانشجویی ندارد و چرا مواجهه فیلسوف ما با ماجرای غزه این قدر مبتذل است. شما تصور کنید از ۶۰ نویسنده برای نوشتن روایت های این کتاب دعوت کردم و ۴۰ نفر آنها چون ماجرا را سیاسی می دیدند، آن را قبول نکردند و اساساً دماغ انسان ایرانی، سیاسی است.

اکبری دیزگاه با بیان خاطره ای از روند دعوت نویسندگان برای نوشتن روایت های کتاب پایی در غزه گفت: از میان ۶۰ نفری که به آنها گفتم در این کتاب روایت بنویسند، یکی اعلام آمادگی کرد، بعد از

نزدیک به دو هفته گفت من می خواهم بنویسم، اما می ترسم، گفتم از چه می ترسی؟... گفت می ترسم که من را بزنند، سپس پرسید می شود بی نام مستعار بنویسم؟ ... گفتم، بنویسی هم من آن را چاپ نمی کنم چرا که نویسنده ای که بترسد، نویسنده مرده است و من می خواهم نویسنده ای زنده روایت های این کتاب را بنویسد.